



در مدح امام علی (ع)

سید صادق احسانی

پیشینیان از این آرایه‌ها در مدیحه‌ها، فراوان استفاده می‌کردند. در این نوشتار، شماری از شاهکارهای ادبی را در مدح مولای متقیان می‌آوریم.

حذف الف

«حذف» صنعتی در نظم و نثر است که یک یا چند حرف را در آن به کار نبرند. مبتکر این فن ادبی حضرت امام علی (ع) است. هنگامی که در بین اصحاب، این سخن به میان آمد که حرف الف بیش‌ترین کاربرد را در کلام دارد، امیرالمؤمنین (ع) بالبداهه خطبه‌ای بی الف بیان فرمود که با این عبارات آغاز می‌شود:

حمدت من عظمت منته، و سبغت نعمته، و سبقت رحمته
غضبه، و تمت کلمته، و نفذت مشیئته، و ببلغت قضیته، حمدته
حمد مقرر بر بوبیته، متصل من خطیئته، متفرد بتوحیدیه،
مؤمل منه مغفرة تنجیه، یوم یسغل عن فصیلته و بنیه، و نستعینه
و نسترشده، و نستهدیه و نؤمن به، و نتوکل علیه، و شهدت له
شهود مخلص موقن، و فردته تفرید مؤمن متیقن، و وحدته
توحید عبد مدعن، لیس له شریک فی ملکة، و لم یکن له ولی فی

۱. به عنوان نمونه می‌توان این آثار علمی را مورد اشاره قرار داد: اُنس الاصول (بی نقطه، در علم اصول)؛ قاعدة حمل الشئ علی الصحیح و تنزیهه عن القبیح (بی نقطه، فقه)؛ منظومة فی آداب الشریعه و الحکم المرعیه (بی الف، در فقه و برخی مباحث دیگر)؛ سواطع الالهام (بی نقطه، تفسیر)؛ منظومه در رد قائلین به وجوب عینی نماز جمعه (بی الف، فقه)؛ درر الاعلال (بی نقطه، ادبیات عرب)؛ موارد السالک لأسهل المسالک (بی نقطه، اصول) و ...

جاذبه در گفتار و نوشتار، از مقوله‌هایی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. صنعت‌های علم بدیع، از قبیل حذف، تشریح، انعکاس، توریه و ... در این جهت پایه‌ریزی شده‌تابه با کارگیری آنها بتوان توجه مخاطب را جلب کرد و تأثیر بیش‌تری در او گذارد.

ادیبان و نویسندگان در گذشته‌های دور به این فنون، توجه فراوان داشتند و اقبال عمومی نیز به این گونه آثار، زیاد بود. اما به مرور در به کارگیری این آرایه‌های لفظی، عده‌ای راه افراط را پیش گرفتند؛ به گونه‌ای که حتی پاره‌ای از آثار فقهی، اصولی، تفسیری و ... را بدون الف یا بدون نقطه نگاشتند. از آن‌جا که نویسنده یا شاعر برای به کار بستن این فنون ناچار است از الفاظ نامأنوس استفاده کند، به جای بیان این دانش‌ها با ساده‌ترین عبارات، در قالب دشوارترین نثرها در اختیار خواننده قرار می‌گرفت و خواننده از درک اصل مطالب باز می‌ماند.^۱

گویا این افراط‌ها سبب شد که در قرن‌های اخیر رفته‌رفته این فکر رواج یابد که به کار بستن بسیاری از صنعت‌های بدیعی لغو است و در موارد فراوان، سبب دشواری فهم محتوا می‌شود. به نظر می‌رسد اگر این فنون در جای خود - مانند متون تبلیغی و ارشادی - به کار روند، بسیار جذاب و تأثیرگذار خواهند بود. بهترین دلیل بر لغو نبودن صنعت‌های بدیعی، کاربرد آنها در قرآن کریم و استفاده حضرت امیرالمؤمنین (ع) از این آرایه‌های لفظی است.

از جمله مواردی که کاربرد این صنعت‌ها به جا و مناسب است، بهره‌گیری در مدایح معصومان (ع) است؛ چنان‌که

صنعه، جل عن مشیر و وزیر، وعن عون و معین و نصیر و نظیر، علم فستر، و بطن فخبیر، و ملک فقهر، و عصی فغفر، و حکم فعدل، لم یزل ولن یزول، لیس کمثله شیء، و هو بعد کل شیء رب، متعزز بعزته، متمکن بقوته، متقدس بعلوه، متکبر بسموه، لیس یدرکه بصر، ولم یحط به نظر، قوی منبع، بصیر سمیع، رؤف رحیم، عجز عن وصفه من یصفه، و ضل عن نعته من یعرفه، قرب فبعد، و بعد فقرب، یجیب دعوة من یدعوه، و یرزقه و یحبوه، ذولطف خفی، و بطش قوی، و رحمة موسعة، و عقوبة موجعة، رحمة جنة عریضة موقنة، و عقوبته جحیم ممدودة موبقة، و شهدت ببعث محمد رسوله، و عبده و صفیه، و نبیه و نجیه، و حبیبه و خلیله، بعثه فی خیر عصر، و حین فتره و کفر، رحمة لعبیده، و منة لمزیده، ختم به نبوته، و شید به حجته، فوعظ و نصح، و بلغ و کدح، رؤف بکل مؤمن رحیم رضی ولی زکی...^۲

به اقتضای امیر المؤمنین، سید ابوالقاسم ریاضی (م ۱۳۸۰ ق) نیز قصیده ای بی الف دارد که آغاز آن در مدح امام علی (ع) و معرفی خطبه بی الف حضرت می باشد:

نزد حیدر شیر حق یعنی علی
 که ولی گردیده در نص جلی
 هم نخستین مرد در گفت فصیح
 بعد پیغمبر بو عظش چون مسیح
 یکه مرد علم و حلم و هم عمل
 هم بزه و هم بعصمت بی بدل
 مختصر نزد شه گیتی و دین
 مجتمع بودند و جمعی همنشین
 ذکر خط کردند و فضلش روبرو
 پس چه حرفی هست در هر گفتگو؟
 بیش گویند و فزون گفته شود
 هم ز ترکش نطق کس بسته شود
 نیست ممکن ترک وی بر هیچ کس
 گرچه مثلش نی سخن ور هیچ کس
 جملگی گفتند جز حرف نخست
 حرف دیگر نیست کس جز وی نجست
 پس بقوری شیر حق رب سخن
 همچو بلبل که سروید در چمن
 بی درنگ و بی تفکر بی تعب
 همچو غنچه جد من بگشود لب
 حمد حق بنمود و یک خطبه سرود
 که درش حرف نخستینی نبود

گشت پس خطبه مدون در کتب
 هم عجم تدوین نمودش هم عرب
 سنی و شیعی ز نقلش در سیر
 بی خبر نبودو چون بد معتبر^۳
 همچنین صاحب بن عباد (۲۲۴ یا ۷۳۸ یا ۲۸۵ ق) ۲۷ قصیده در مدح امام علی (ع) سرود که هر قصیده از یک حرف، خالی است. ولی موفق به سرودن قصیده بی او نشد؛ اما نوه اش آن را در مدح خود صاحب بن عباد سرود. ابیات نخستین قصیده صاحب - که بی الف است - چنین است:

قد ظلَّ یجرحُ صدري
 من لیس یعدوه فکری
 ظبی بصفحة بدر
 یزهو به سطر شعری
 کم ملت فیہ لوصل
 و کم یمیل لهجر
 یغری همومي بقلبی
 فکم یجور و یغری^۴

حذف حروف نقطه دار

امام علی (ع) دو خطبه بی نقطه دارد که یکی از آنها این گونه آغاز می شود:

الحمد لله الملك المحمود، المالك الودود، مصور كل مولود، و مال كل مطرود، ساطح المهاد، و موطن الاطواد، و مرسل الامطار، و مسهل الاوطار، عالم الاسرار و مدرکها، و مدمر الاملاک و مهلکها، و مکور الدهور و مکررها، و مورد الامور و مصدرها، عم سماحه، و کمل و کلمه، و همل و طولوع السؤال و الامل، و اوسع الرمل و ارمل، و احمده حمدا ممدوا، و اوحده کما و حد الاواه، و هو الله لا اله الا هو، و لا صاعد لما عدله و سواه، ارسل محمدا علما للاعلام، و اماما للحکام، مسددا للرعاء، و معطل احکام و د و سواع، اعلم و علم و حکم و احکم و اصل الاصول، و مهد و اکد الموعد و اوعده...^۵

۲. القطرة من بحار مناقب النبي والمتره، سید احمد موسوی مستنبط، نجف، ج ۲، ص ۱۷۶-۱۷۸.

۳. مقدمه مناہج المعارف، سید ابوالقاسم خوانساری، مقدمه از سید احمد روضانی، ۱۳۵۱ ش، ص ۱۳۹.

۴. دیوان صاحب بن عباد، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، قم، مؤسسه قائم آل محمد، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۴۷-۱۵۱.

۵. القطرة من بحار مناقب النبي والمتره، ج ۲، ص ۱۷۹.



از خطبه بی نقطه دیگر امام علی (ع) تنها آغاز آن به دست ما رسیده است:

الحمد لله اهل الحمد وماواه، وله اوكد الحمد واحلاه،
واسرع الحمد واسراه، واطهر الحمد واسماه، واكرم
الحمد واولاه...^۶

سائلک در قصیده ای بی نقطه، امام علی (ع) را این گونه مدح کرده است:

مهر در دار حمل آمده در اول سال
کوه و صحرا همه را لاله و گل مالامال
آمده سر و دل آرا و در آوا صلصل
آمده روح ده کل مروّح سلسال
هم هوا سوده همه لؤلؤ لالا که مگر
لاله را آورد او مکحله کسحل لال
همه کس را دل مکدوح مکتر سرور
همه را کام امل حاصل و واصل آمال
که محل کرده در آرا مگه صدر رسل
ملک مهر لوا، سرور صمصمام هلال
صهر احمد، اسدالله ملائک مملوک
داور اعلم اعدل، مه معدوم همال
محرم سرّاله و ولد عم رسول
ملک عصر و امام امم و والد آل
همدل صدر رسل، سرّاله واحد
دار حلم و ملک دهر و در علم و کمال
مالک عرصه اسلام و مدار ادوار
همدم احمد محمود و محل آمال
سرّادار صمد حاکم احکام حرام
ملک کل ملل امر اسرار حلال
آمده همسر و داماد رسول مرسل
همسر و همزه او در همه حال محال
حاکم محکمه عدل و امام دو سرا
سائلک راه هدی و ملک مهر وصال
مهر او آمده در سر همه را مهر اله
مدح او آمده در دل همه را سحر حلال...^۷

همو قصیده بی نقطه دیگری در مدح امام علی (ع) سروده است، که برخی ابیات آن بدین قرار است:

اسدالله سرّادور کل
اسدالله صهر صدر رسل
محرم سر کردگار و دود
ولد عم احمد محمود

سرّ و ممدوح کردگار صمد
همدل و همزه رسول احمد
آمد او همدم رسول کرام
آمده او امام در اسلام
عادل و عالم و کرام آمد
همه مأموم و او امام آمد
آمده او مکرّم و والا
آمده او امام اول ما
امر آمد که آمد او اول
در محل رسول کرد محل
آمد او والد ائمه و آل
آمد او حاکم حرام و حلال
ملک الملک آمد و داور
مه و سالار آمد و سرور
او مطاع ملائک و والا
او سراد ملوک ملک آرا
همه ره عدل کرد و علم آورد
همه راه مهر کرد و حلم آورد
دور ادوار را مدار آمد
داور دهر و کامکار آمد^۸

آقای ابوالفضل آسمانی متخلص به «سماوی» نیز در قصیده ای که در مدح علی (ع) سروده است، از حروف منقوط استفاده نکرده است:

هادی آدم علیّ و دهر را محور علی
والی ملک اله و صادر و مصدر علی
عالی و اعلا و اسعد ساعی و اوّل امام
صالح و والا و مولا عالم و سرور علی
کرده مسطور آری آری کلکها در لوحها
مدح سالار دو عالم سرور آور علی
حی سرمد مدح مولا در کلام الله کرد
سوره سوره مدح او ممدوح کردگر علی
ماسکارای می مهر و ولای او ولی
در می مهر الهی آمده مسکر علی

۶. مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، قم، انتشارات علامه، ج ۲، ص ۴۸.

۷. سید مهدی صفحی، زندگانی حضرت معصومه و تاریخ قم، کتابفروشی صفحی، ص ۸۲-۸۴.

۸. همان، ص ۸۴-۸۵.

۹. ایمان.

۱۰. کردگار.



عالم او در علم اسرار و ولی عهد رسول
در علوم سرور لولاك احمد در علی ...^{۱۱}

حذف سین

صاحب بن عباد قصیده ای بی سین سروده که ابیات پایانی آن را
می آوریم:

أنتَ الفـریدُ وهذـه
فی وصف علیاک الفرائد
وولایتی مشهوره
مشهوده والله شاهد
لکنتنی مُتَحَرِّقٌ
للْبُعْد عن تلك المشاهد
یا ربَّ جَنَّبَنِی العَوا
ثِقُ مُجْزَلِ النعم العَوائد
کیما أباشرها برو
حی أن بَرَحَ الشوقِ زائد
یا آیها الکوفی هذی
عُسرَة بین القصاصد
أوردتها ترمی النوا
صب بالصواب والصوارد
ضَحَّت بهم فی عید أض
حی أنهم نَعَم شوارد
وحذفت أحت الشین من
ها عن طلاب أخ معاند
أنشبد وردد أنها
زادُ القیامة للمعابد
أجر ابن عباد بها
یوفی علی عشرين عابد^{۱۲}

رعایت ترتیب الفبا

حرف آغازین مصرع های قصیده زیر از صاحب بن عباد، به
ترتیب الفبا است:

«ألف» أمیر المؤمنین علی^۳
«باء» به رکن الیقین قوی
«تاء» توی أعدائه بحسامه
«ثاء» ثوی حیث السماک مُضی^۴
«جیم» جرى فی خیر اسباق العلی
«حاء» حوی العلیاء وهو صبی
«خاء» خبت حساده من خوفه

«دال» دری مالم یحزانسی ...
أهدی ابن عباد الیه هذه
غراء لم یفطن لها شیعسی
یرجوبها حسن الشفاعة عنده
حسن الولاء موحد عدلی
أبرزتها مثل العروس بدیة
فلیبتدر لنشیدها الکوفی^{۱۳}

بدیعه

«بدیعه» قصیده ای است که هر بیت آن حاوی یک یا چند صناعت
بدیعی باشد و اصل قصیده برای منظور دیگری چون مدح و ثنا
و ... ساخته شده باشد.

ابن حجت حموی (م ۸۳۷ق) بدیعه ای با عنوان «تقدیم
ابی بکر» سرود. در مقابل او، سید علی خان مدنی (م ۱۱۱۹م) یا
۱۱۲۰ق) بدیعه ای در ۱۴۷ بیت به نام «تقدیم علی» ساخت.

باید دانست که بدیعیات دو گونه اند: در پاره ای تنها در هر
بیت یک یا چند نوع از صنایع به کار رفته و در برخی دیگر علاوه
بر آن، شاعر ملتزم شده تا نام اصطلاحی همان نوع بدیعی که در
هر بیت به کار رفته بیاورد؛ اما نه به معنای اصطلاحی آن، بلکه
در قالب توریه و به معنای لغوی آن. بدیعه «تقدیم علی» از نوع
دوم است.

نظر به طولانی بودن این بدیعه، تنها به چند بیت آغازین آن
بسنده می کنیم:

حسن ابتدا و براحت استهلال:

حسن ابتدائی بذکری جیره الحرم
له براعة شوق یستهل دمی
جناس مرکب و مطلق:

دعنی وعجبی وعج بی بالرسوم ودع
مرکب الجهل واعقل مطلق الرسم
جناس ملحق:

بانوا فهان دمی عندی فهان ندمی
علی ملغق صبری بعد بعدهم
جناس مذیل ولاحق:

وذیل الدم دمعی یوم فرقتهم
وراح حسبی بلبی لاحقا بهم

۱۱. ابوالفضل آسمانی، آینه داران نور، ص ۱۷۷-۱۸۲.

۱۲. دیوان صاحب بن عباد، ص ۱۵۲-۱۵۹.

۱۳. همان، ص ۱۵۰-۱۶۲.



جناس تام و مطرف:

يا زيد زيد المنى مذتم طرفني
وقال هم بهم تسعد بقربهم
جناس مصحف و محرف:
كم عاذل عادل عنهم يصحف لي
ما حرفته وشاة الظلم في الظلم^{۱۴}

احمد بن صالح بن ناصر بحراني (۱۲۵۱-۱۳۱۵ق) نیز بدیعیه ای در مدح امام علی (ع) دارد که در ضمن دیوانش المرائی الاحمدیه حدود سال ۱۳۱۷ در بمبئی چاپ شده است. مطلع آن چنین است:

بديع مدح علی مذ علاقلمی
براعة تستهل الفيض من كلمی^{۱۵}

هو الحتف لايفني المحبين غيره
ولولاه ماذاق الوری الحتف لولاه...
هداية رب العالمين قلوبنا
إلى حب من لم يخلق الخلق لولاه
هو الجوهر الفرد الذي ليس يرتقي
لأعلى مقامات النبيين إلا هو
هلال نما فارتد بدرأ فأشرقت
جوانب آفاق العلابمحيآه
هما علة للخلق أعني محمداً
وأول من لمادعا الخلق لبآه
هو النجم يبغني داره لابل ارتقى
إليها فمئوى النجم من دون مثواه...

حرف كاف:

كتمت الهوى والحب بالقلب أملك
وأجمل من كتم الغرام التهتك
كواعب أتراب قصدن بحرنا
ولسنا بتوحيد المحبة نشرك
كتائب أبطال بهن دماؤنا
جزاء على حفظ المودة تسفك...

حرف هين:

عسدي ودعني من زيارة بلقع
يا أيها الحادي لهن بمرجع
عذبن جسمي بالنحول ومهجتي
بالحجر واستمطرن صيب مدمعي...^{۱۷}

تشابه الاطراف

«تشابه الاطراف» در نظم آن است که شاعر، لفظ قافیه هر بیت را در آغاز بیت بعد تکرار کند یا لفظ پایانی مصراع اول را در ابتدای مصراع دوم بیاورد.

صاحب بن عباد در قضیه زیر در مدح امام علی (ع) صناعت فوق را به کار برده است:

مشيب عراه لو يدوم مشيب
مشيب به ثوب الرشاد قشيب
قشيب ولكن يخلق المرء عنده
ويلقى ضروب الأنس وهو مريب
مريب اذا ما قيل: هل تذكر الطبا
وعهدي بجنب الجانبين يطيب
يطيب وتعداد كزورة معجب
لعاشقه والزور منه عجيب
عجيب وكم حنت لزورته الدجي
فؤاداً سقيماً أو يكون طيب...^{۱۶}

محبوبات الطرفين

شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق) در مدح امام (ع) ۲۹ قصیده سروده که هر کدام، از ۲۹ بیت تشکیل شده است. حرف اول و حرف پایانی بیت های قصیده نخست، الف است و قصیده دوم حرف با تا انتها. به این گونه شعرها «محبوبات الطرفين» می گویند. شیخ حر این قصاید خود را «مهور الحور» نامیده است. قصیده حرف «ها» چنین آغاز می شود.

هو الحب لآفیه معین ترجآه
ولانقذ من جوره تنوخآه



۱۴. سیدعلی خان مدنی، انوارالربیع فی انواع البدیع (شرح بدیعیه «تقدیم علی» ۱) نجف، ۱۳۸۸ق، ج ۱. نگارنده موفق به مطالعه همه بدیعیه نشد تا دریابد که آیا همه قصیده در مدح امام علی (ع) است یا خیر؟
۱۵. شیخ آقا بزرگ تهرانی، ذریعه، بیروت، دارالاضواء، ج ۳، ص ۷۴؛ الغدير، ج ۶، ص ۷۲.
۱۶. دیوان صاحب بن عباد، ص ۱۶۵-۱۶۹.
۱۷. علامه عبدالحسین امینی، الغدير، مرکز الغدير، ج ۱۱، ص ۴۴۱-۴۴۳.